

توفیق خاصی

که نصیب من شد

نوشته

دکتر محمدستاری
استاد دانشکده دامپزشکی
و سرپرست مؤسسه تحقیقاتی
امین آباد دانشگاه تهران



بعد از یکسال و نیم اقامت در فرانسه که با عنوان دستیار کرسی دامپروری دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران برای اخذ تخصص در رشته مزبور در انستیتو ناسیونال آگرو-نومیک پاریس به تحصیل اشتغال داشتم در اواخر پائیز سال ۱۳۴۰ از طرف سفارت شاهنشاهی ایران در پاریس با اطلاع دانشجویان ایرانی مقیم فرانسه رسید که شاهنشاه ایران که بفرانسه مسافرت فرموده بودند اجازه

را از هم جدا میکنند .

دکتر تعلیمی از طریق دادگستری و وزارت فرهنگ وقت در صدد تعقیب قضیه برآمد و دسته ماجراجو از کار معلق شد و پس از دو سال دوندگی و دادن میلیونی بعنوان خسارت بدکتر تعلیمی هر کدام را بگوشه ای پرت کردند .

در جریان این اوضاع یکی از دو سر دسته که استاد فلسفه بود نامه ای بر رئیس دانشگاه نوشته و در آن نامه بذکر علل ناراحتیهای خود و رفقاییش پرداخته ، ضمن عبارات او این جمله جلب توجه میکرد :

او (یعنی رئیس دانشکده) به هوائیچ ما توجه ندارد . . .

رئیس دانشگاه معتقد بود که هوائیچ بنظر نویسنده نامه هم جمع حاجت است و هم جمع هویچ

اما من عقیده داشتم که این آقای نویسنده که خود را استاد دانشگاه می دانست خواسته است با هویچ رفع حاجت کند و بهمین جهت حاجت را بهوائیچ جمع بسته شاید هم از کسانی است که میان هوائیچ و هوائیچ فرقی قائل نیست و باصلاح قید املا را از میان برداشته حال باید به بینیم خود این آقا چه فکر میکند ۱۹

داده اند تا دانشجویان ضمن شرفیابی به زیارتشان مفتخر گردند.

من هم که این دعوت نامه بدستم رسیده بود با شوق و شور فراوان در ساعت تعیین شده به محل سفارت خانه که در آن زمان در خیابان فورتونی پاریس قرار داشت رفتم و در جمع دانشجویان بصفا ایستادم تا بزیارت شاهنشاه نائل شوم.

دروقت مقرر شاهنشاه به سالن تشریف فرما شدند و با علاقه مندی و حوصله فراوان از یک يك دانشجویان سئوالاتی میفرمودند. در آنوقت که نوبت بمن رسید شاهنشاه ضمن پرسشی از این جانب رشته تحصیلی و محل آنرا استفسار فرمودند.

وقتی که پاسخ لازم بعرض رسید بلافاصله با وجود این که در فرانسه تعداد بیشتری دانشگاه انستیتو و مدارس عالی و نظایر دیگر در زمینه های مختلف وجود دارد شاهنشاه با احاطه و درایت کامل اهمیت این سازمان آموزشی را با ذکر مشخصاتی کاملاً دقیق و آگاهانه نسبت بسایر دستگاہها یاد آوری و حتی از جدی بودن و کیفیت عالی تدریس در قسمت هائی از دروس در این مرکز تعلیماتی مطالبی ایراد فرمودند که سخت مرا متعجب و مبهور ساخته بود و از آن پس بدرستی در یافتن آنچه در باره اطلاعات عمیق و فوق العاده رهبرملت در امور مختلف شنیده ام بازم بسیار کمتر از حقیقی است که وجود دارد.

آن دوران سپری شد. بوطن باز گشتم و در سمت استادیاری گروه دامپروزی دانشکده دامپزشکی بکار و فعالیت پرداختم تا اینکه در پائیز سال ۱۳۴۴ با مرطاع شاهنشاه آریامهر قرارداد بکوشش دکتر عالیخانوی وزیر وقت اقتصاد «نمایشگاه ترقیات ۲۵ ساله اخیر» در جاده شمیران تشکیل گردد. بدستور و موافقت والا حضرت شاهدخت شمس پهلوی ریاست عالییه جمعیت ملی شیر و خورشید سرخ ایران این سازمان نیز مأموریت یافت تا همانند بسیاری از مؤسسات دیگر در نمایشگاه عظیم نامبرده شرکت نماید. از جمله قسمتهائی که در قسمت شیر و خورشید سرخ ایران مأمور تشکیل غرفه گردید جمعیت ملی حمایت حیوانات بود که میبایستی فعالیتهای چندین ساله و بی دریغ خود را بنحو چشمگیری در معرض دید بازدید کنندگان قرار دهد.

برای این منظور با اتفاق یکی از همکاران (دکتر نصراله عابلی) که در آن زمان دبیر جمعیت بود هم اکنون در وزارت فرهنگ و هنر مشغول انجام وظیفه میباشد مأموریت یافتیم تا در تشکیل این نمایشگاه اقدام لازم بعمل آوریم و چون اطلاع یافته بودیم که نمایشگاه بدست مبارک شاهنشاه آریامهر و شهبانوی ایران افتتاح خواهد شد و معظم له از غرفه ها بازدید بعمل خواهند آورد تمام کوشش و فعالیت ما بر این بود آنچه که ارائه میگردد تا حد لازم جالب و درخور توجه باشد.

در آنوقت که در دل تاریکیها
ساقا نه بدنبال روشنائی میگشتم
و هر بامدادان با قلبی مملو از
امید روانه دانشکده میشدم و
هر روز که میگذشت احساس می
کردم بر تجربیات علمی من
افزوده میشود .

هیچوقت خاطرات ساعت
هائیکه بکار های عملی مشغول
بودم از یادم نمیرود و هیچ خاطره ای
دل انگیز تر از واقعه ای که يك
شب برایم اتفاق افتاد نیست .
در آنشب که در کنار یکی از
دوستان مشغول شناختن يك جسم
مجهول در مخلوطی از مایعات
بودم و در آزمایشگاه شناسائی
مواد آلی در کنار دستگاه تعیین

در

آزمایشگاه

نقطه جوش مشغول کار بودم، در
يك لحظه غفلت دستگام بر بوطه
منفجر گردید و با پریدن يك
قطره از مایع مورد آزمایش در
چشم خود احساس سوزش سخت
و تکان دهنده ای نمودم و از آن
جائیکه با مواد سمی سر و کار
داشتم در يك لحظه مرگه را جلوی
چشمان خود دیدم. دقایقی چند
این چنین گذشت تا دکتر مسئول
آزمایشگاه اعلام کرد که ماده
مورد آزمایش بی خطر میباشد
واقماً لحظه پرنشاطی برای من
و یکایک دوستانم بود برق شادی
توأم با قطرات اشک از چشمان
همه نمایان گشت و این لحظه
برای من فراموش نشدنی است .

محمد رضا براتیان

دانشجوی دانشکده علوم

دانشگاه ملی ایران

شهبانوی ایران در این زمینه بقول رئیس
انجمن حمایت حیوانات آلمان بعنوان
د سمبل علاقه و طرفدار واقعی
حیوانات، در جهان شناخته شده اند ما موریت
محواله برای ما باظرافت و نکته سنجی خاصی
همراه بود.

بعد از طرح غرفه و پیاده کردن آن در
قفس مخصوص پرندگان متجاوز از ۳۰ نوع
پرند زبیا و کمیاب انتخاب ورها گردید .
ولی از روز آماده شدن غرفه تا افتتاح
نمایشگاه هنوز یک هفته وقت باقی بود. ←

با توجه به محل انتخابی و اینکه
نمایشگاه جمعیت ملی حمایت حیوانات
از دو غرفه تشکیل مییافت تصمیم گرفته شد
يك غرفه به نمایش فعالیت بیمارستان ها و
کلینیک های جمعیت اختصاص یابد و غرفه
دیگر بصورت قفس بزرگ و زیبا ساخته شود
تا در آن انواع پرندگان زیبا و خوش الحان
و نادر آزاد نه در حال پرواز باشند. زیرا با
توجه به بلاقمتندی شاهنشاه آریامهر و شهبانوی
گرامی به حیوانات و رفاه حال آنها تا حدیکه

با توجه بسابقهای که در قسمت اول این نوشته به آن اشاره شد و این که مسلماً شاهنشاه در مقابل هر غرقه پرشهایی را از متصدیان مربوط خواهند فرمود که باید پاسخهای کاملاً منطقی و اصولی ارائه گردد شب روزی که کار غرقه با تمام رسید وقتی که بمنزل بازگشتم با خود بفکر فرو رفتم که اگر شاهنشاه سئوالاتی در باره خصوصیات زندگی پرندگان موجود در قفس و عادات و طرز زندگی یا پرورش و مسائل مربوط دیگر مطرح بفرمایند پاسخ باید در چه حدودی عنوان گردد؟

کم کم این فکر در من قوت گرفت و بتدریج مسئولیت خطیری را که بعهد گرفته بودم برایم روشن میشد تا حدی که تصمیم گرفتم بدقت شرح زندگی و خصوصیات فیزیولوژیکی تشریحی و حتی روانشناسی این پرندگان را مطالعه کنم.

چند روزی وقتم در این طریق صرف شد و همانند شاگرد مدرسه‌ای که بخواهد در روز امتحان در مقابل استاد خود روسفید درآید مرتباً کتب و منابع مختلف علمی را جستجو کرده و بمطالعه و برداشتن یادداشت مشغول میشدم.

اما با کثرت انواع پرنده‌های انتهای در عین حال انواع آن کمیاب نیز بودند، متوجه شدم که اولاً جمع آوری اطلاعات در مورد بعضی از آنها غیر ممکن است و یا منابعی از آنها در ایران وجود ندارد و ثانیاً در چنین فرصتی کوتاه نمیتوان بدقت کلیه اطلاعات را در حافظه سپرد. و بالاخره بخاطر همین محظورات بود که صبح روز بعد بفرقه مربوط رفته و در حدود ۷ نوع از

پرندگان زینتی و نا آشنا را از جایگاه خارج و بصاحبان اصلی آن رد کردم و باین دلخوش بودم که از عهده جمع آوری اطلاعات برای سایر پرنده‌ها برخوردارم. اما این آرزو بر آورده نشد و این تحویل و تحولات همچنان ادامه داشت تا این که بالاخره تعداد انواع پرندگان از ۳۰ به ۱۶ نوع تقلیل یافت و با این ترتیب این قوت قلب برایم حاصل شده بود که در اثر مطالعه و دقت کافی بتوانم از کم و کیف همه پرندگان موجود تا حدی کمال آگاهی حاصل نمایم بطوریکه قادر باشم به جزئی‌ترین سئوالات پاسخ مقتضی ارائه نمایم.

روز افتتاح نمایشگاه فرارسید شاهنشاه آریامهر بعد از نزول اجلال و گشایش نمایشگاه بخاطر فراوانی غرفه‌های صنایع کشور و سایر مؤسسات با این که ساعتها بیازدید مشغول بودند ولی قسمتی از نمایشگاه که شیر و خورشید هم در جز آن بودم چنان بدون بازدید باقی ماند. دو روز بعدم که شاهنشاه مجدداً به نمایشگاه تشریف فرما شدند ضمن بازدید از فعالیت‌های شیر و خورشید سرخ ایران از مقابل غرفه جمعیت ملی حمایت حیوانات عبور فرمودند بدون این که سئوالی را مطرح بفرمایند.

باین که تا این تاریخ نزدیک به هفت سال از آن موضوع می گذرد ولی هنوز بهره ای که از آن باز گرفته‌ام همچنان در ذهن و خاطر من باقیمانده است بطوری که هم اکنون نیز کلیه شرح حال و خصوصیات ۱۶ نوع پرنده زیبا و در عین حال نادر جهان را بخوبی بیاد دارم و چه بسا که در مواقع مختلف جوابگوی بسیاری از خواستاران این اطلاعات نیز بوده‌ام.